

## ای میهنم

ای خاک پاک میهنم  
افغانستان، افغانستان  
ای مهد اقوام دلیر  
ای سرزمین جاودان  
خواهیم ترا، خواهیم ترا

□ □ □

ای خازنه آبای ما  
ای تشنه صلح و صفا  
آزاده می خواهیم ترا  
ما کودکان با وفا  
خواهیم ترا، خواهیم ترا

□ □ □

ما نو نهالان وطن  
یا غنچه گان این چمن  
خندیده آییم سوی تو  
در عشق تو گویم سخن  
خواهیم ترا، خواهیم ترا



## ای سرزمین محبوبم

من از زبان پدر و مادرم در باره زیبایی هایت سخن ها شنیده ام و در مورد جفا های که ویرانت نموده  
حکایت ها.  
آنگاهی که به دیدارت بشتابم، می خواهم سبدی از گل در یک دست و جامی پر از آب در دست دیگرم  
داشته باشم.  
آب بریزم بر دشت های سوخته و نیمه جانت و گل بافشانم بر مزار شهیدانت.



## همزاد روح دریا

ما کودکان افغان  
تابنده تر ز نوریم  
چون مرغکان آزاد  
زاییده غروریم

□ □ □  
عاشق تر از پرستو  
پرنده تا به اوجیم  
همزاد روح دریا  
بالنده تر ز موجیم

□ □ □  
خندیده و شتابان  
تا شهر ماه تابان  
سیر و سفر نماییم  
سرشار و شاد و خندان

□ □ □  
ماییم نو نهالان  
در باغ این زمانه  
لطف بهار آریم  
با شور کودکانه



## مادر

مادر تو مهربانی  
خوب خوب جهانی  
حرفک های دلم را  
خودت بهتر میدانی

□□□

شام و سحر تیاری  
برای خدمت ما  
از خود خبر نداری  
ز بهر راحت ما

□□□

تو آیهٔ محبت  
تو کان عشق و الفت  
بنای هستی ما  
ز ابتدای خلقت

□□□

تو نازنینی مادر  
زیب زمینی مادر  
ز ماه آسمانها  
تو برترینی مادر



به انگیزه فرا رسیدن روز جهانی پدر

## پدر

پدر ای شکوه هستی  
پدر ای بزرگ خانه  
که ز فر و عزت و جاه  
همگیست ترا نشانه

\*\*\*

پدر ای عزیز کوشا  
شب و روز در تلاشی  
و نیاسایی به راحت  
ز مشقت زمانه

\*\*\*

پدرم نیام هرگز  
به از آن پناهگاهی  
که بگیری ام در آغوش  
ز لطف پدرانه

\*\*\*

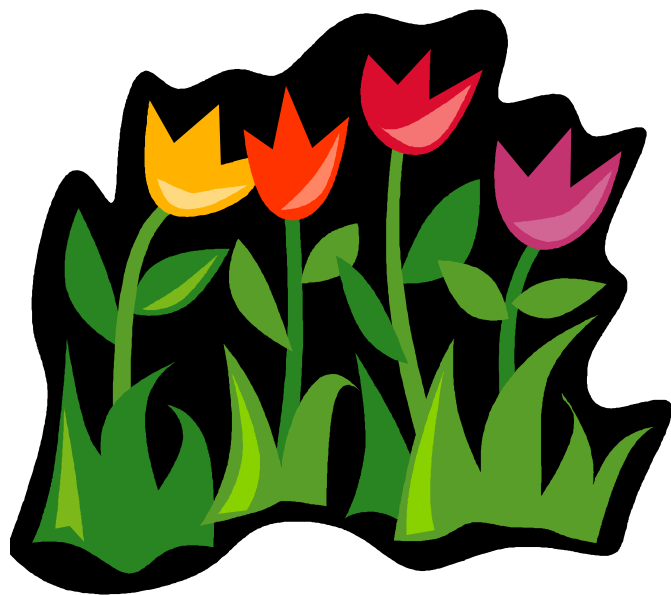
پدرم مرا به بخشا  
اگرم خطا نمودم  
تو هدایتم بفرما  
به زبان دوستانه



پدر از خدا بخواهم  
که همیشه زنده باشی  
با جلال و شان و شوکت  
با وقار جاودانه

## نو بهاران

دوست دارم نو بهارن را  
که زیباست  
فرصت شور و نشاط و  
عطر گلهاست  
فصل نو را دوست دارم  
با نگاه آتشینش  
دانه های پاک باران بهاری  
بر جبینش  
می ستایم نو بهاران زانکه  
هستی باز گردد  
کهنه گی ها محو گردد  
طرح نو آغاز گردد



## لحظه

خیل گلنک های نوروزی از پشت کوه ها و دره ها سر می کشیدند. هوا صاف و نورانی بود. اندکی پیش نم نم باران صورت گل ها و سبزه ها را شستشو داده بود. نسیم بی دریغ عطر هدیه می کرد.

مسافران از راه رسیده از هر سو در جستجوی آب و دانه بودند. در لحظه ای که حواست را پر و بال زدن مرغکان تفرقه می کرد، بی آنکه بدانی صفای بهار را با تمامی وجودت در می یافتی.



## نوروز

چشم براه بودیم تا عروس بهار با پیراهن رنگینش چشمان ما را روشن کند. بیش از این نمی خواستیم سرما و یخندان از طراوت بازیهای بهارانه دور مان نگاه دارد. اکنون که در آستانه سال نو خویش ایستاده ایم می خواهیم تا نوروز باستانی را برای یکایک شما دوستان عزیز هم مکتبم تبریک بگویم. مبارک باشد نوروز باستانی این میراث خجسته پدران با فرهنگ ما.





## درس و تعلیم

درس بخوان ای پسر تیز هوش  
تا که شوی تازه و پر جنب و جوش  
تنبل و بیکاره و بد خو مشو  
بی هنر و هرزه به هر سو مشو  
علم و ادب مایه سازندگی ست  
جوهر آزاده گی و زندگی ست  
در ره دانش همگی رهرویم  
تا که رهی سوی رهایی بریم  
دانش خود را به وطن می بریم  
گل به چمنزار کهن می بریم



## پیام مادر

درس بخوان دخترک ناز من  
ای به غم و خوشی تو همراز من  
مدرسه رو علم و هنر پیشه کن  
بهر نجات کمی اندیشه کن  
شاد بزی خیمه شب شد فنا  
نور سحر بر دمید از قله ها  
دیده به نور سحری باز کن  
زندگی اترا ز سر آغاز کن  
زینت ات نه چادر و برقع بود  
دانش تو تاج مرصع بود  
مینا و زرغونه و ناهید شو  
ز علم و فضیلت مه و خورشید شو  
باش به میهن خلف قهرمان  
کشتی بشکسته به ساحل کنشان  
دختر من کشورت آباد کن  
مام خود از بند غم آزاد کن

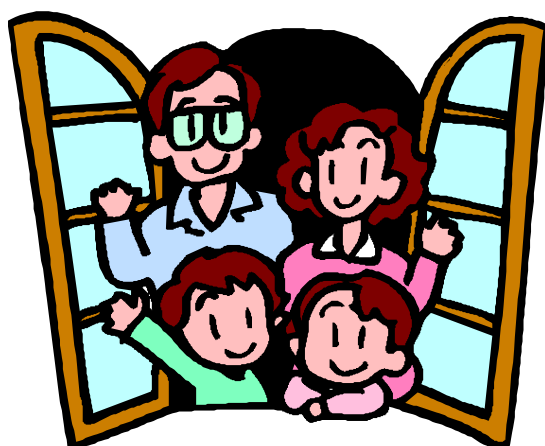


## سلام

سلام دهید کودکان  
به همه خرد و کلان  
به همصنفی هایتان  
به بابا و مادر جان

□ □ □

اول سلام بگویید  
بعدا کلام بگویید  
سلام خود عزیزان  
با احترام بگویید



## پرندهء آزاد

پرندهء نازم من  
هر جا به پروازم من  
می پرم تا آسمانها  
تا اوج کهکشانها

□□□

آواز زیبا دارم  
به بالا ها جا دارم  
از قفس ها بیزارم  
آزادی را دوست دارم

□□□

می خواهم آزاد باشم  
بی قید و دلشاد باشم  
هر کسی دوستم داره  
مرا آزاد میگذاره



## پروانه

پروانه قشنگم  
مقبول و شوخ و شنگم  
دور گلها می گردم  
با بالهای هفت رنگم

□□□

سبزه و شاخه گل  
منزل و ماوای من  
صحن سرای و باغچه  
جای تماشای من

□□□

رفیق بی آزارم  
اذیت نیست کارم  
تمام بچه ها را  
از دل و جان من یارم



## سالگره تولد

امروز شدم چار ساله  
از شوق بال و پر دارم  
تحفه گک های خود را  
یک یک رو میگذارم

□□□

مادر به من خریده  
اسپ سفید سنگی  
پدر به من گرفته  
کتاب خوب رنگی

□□□

مادر سپاسگزارم  
بابا سپاسگزارم  
هر دو تای شما را  
قدر دنیا دوست دارم



### چشم ثریا

طفلك خوش خوى من  
اميد و بازوى من  
اى تو در اين دور ها  
هر كس و هر كوى من

□□□

هديه بده نور را  
عرضه نما شور را  
سرکش و آزاده باش  
محو نما زور را

□□□

رونق فردا تویی  
چشم ثریا تویی  
جایگه ات قلب ماست  
از همه والا تویی



## چهار فصل



### بهار

باز بهاران آید  
موسم باران آید  
در تن پژمردگان  
روح آید و جان آید

□□□

### تابستان

وقتی تابستان شود  
گرمی فراوان شود  
آلو و ناک و انگور  
زینت بستان شود



### خزان

بعد از فصل تابستان  
پاییز گردد نمایان  
برگ خشک درختان  
می شود هر جا پاشان /







## زمستان

در موسم زمستان  
باران و برف ریزان  
ریزه ریزه می بارد  
به دشت و کوه و دامان

□□□

بچه ها شادی کنید  
در صبح نوبهاران  
هر طرف غلتان شوید  
بر فرش سبزه زاران

□□□

خزان موسم کار است  
زمستان رهسپار است  
خلاصه در هر زمان  
فرصت کار و بار است

برای دریافت این مجموعه می توانید به شماره تلفن

416-748-6874

و یا ایمیل آدرس

hanifa@gto.net

تماس حاصل نمایید.

محل چاپ این مجموعه شهر تورنتوی کانادا می باشد.